

۱۴۰۸۵۴۳

به نام خداوند بخشنده و مهربان

دعوی اعتراض ثالث در قانون

و رویه قضایی ایران و فرانسه

نرگس جرفی

انتشارات فرانما

۱۳۹۵

سرشناسه: جرفی، نرگس، ۱۳۵۷

عنوان و نام پدیدآور: دعوای اعتراض ثالث در قانون و رویه قضایی ایران و فرانسه / مؤلف
نرگس جرفی

مشخصات نشر: تهران، فرانما، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۲۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۰۴-۵۴-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۲۱]-۱۲۳

موضوع: شناس ثالث (حقوق) - رویه قضایی - حقوق تطبیقی - ایران - فرانسه

رده‌بندی کنگره: ۳۹۵-۴۷۰ ج ۴ / ۳ / ۸۷۳ / ۳ / ۴ KMH

رده‌بندی دیویی: ۳۴۷ / ۵۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۲۵۰۹۷

آدرس دفتر مرکزی و مرکز پخش تهران: خیابان آری، تقاطع رودکی، کوچه رامسر، پلاک ۱، طبقه
سوم - تلفن ۶۶۹۴۱۷۰۸-۶۶۵۷۴۶۹۳

دعوای اعتراض ثالث در قانون و رویه قضایی ایران و فرانسه

تألیف: نرگس جرفی

ناشر: فرانما

نوبت چاپ: اول - اردیبهشت ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: عصر انتظار

صفحه‌آرایی و طرح جلد: فرانما

لیتوگرافی: وتوس

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

شابک: ISBN: 978-600-7004-54-8



حق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است و هرگونه نسخه‌برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

پیشگفتار

آنچه پیش رو دارید تلاش برای یافتن مباحث ریشه‌ای در خصوص دعوای اعتراض ثالث است که هر چند کثرت آن در محاکم را نمی‌توان نادیده گرفت اما همواره ابهاماتی را در ذهن به همراه دارد. لذا مابین مباحث تطبیقی این حوزه با خاستگاه خود یعنی قانون و رویه فرانسه، می‌توان موضوع را با دقت مورد کنکاش قرار داد.

چاپ این کتاب به همت انتشارات فرانما و با تقبل زحمات بسیار صورت گرفته است که مراتب تشکر و سپاسگزاری خود را ابراز می‌دارم.

نرگس جرفی

بهار ۱۳۹۵

فهرست مطالب

سر آغاز.....	۹
مقدمه.....	۱۱
بخش اول: کلیات.....	۱۷
فصل اول: تاریخچه و تعریف دعوای اعتراض ثالث در ایران و فرانسه.....	۱۹
مبحث اول: تاریخچه.....	۱۹
گفتار اول: تاریخچه اعتراض ثالث در ایران.....	۲۰
گفتار دوم: تاریخچه اعتراض ثالث در فرانسه.....	۲۱
مبحث دوم: تعریف.....	۲۴
گفتار اول: تعریف دعوا.....	۲۴
گفتار دوم: تعریف ثالث.....	۲۷
فصل دوم: مبانی حقوقی و انواع دعوای اعتراض ثالث.....	۳۱
مبحث اول: مبانی دعوای اعتراض ثالث.....	۳۱
گفتار اول: نظریه اجباری بودن اعتراض ثالث.....	۳۳
گفتار دوم: نظریه اختیاری بودن اعتراض ثالث.....	۳۵
گفتار سوم: نظریه اصولاً اختیاری و گاهی الزامی بودن اعتراض ثالث.....	۳۹
مبحث دوم: انواع دعوای اعتراض ثالث.....	۴۹
گفتار اول: اعتراض ثالث اصلی.....	۵۰
گفتار دوم: اعتراض ثالث طاری.....	۵۳
گفتار سوم: اعتراض ثالث اجرایی.....	۵۶
بخش دوم: آیین دادرسی دعوای اعتراض ثالث در قانون و رویه قضاییه ایران و فرانسه.....	۶۵

فصل اول: آیین دادرسی دعوی اعتراض ثالث در حقوق ایران.....	۶۷
مبحث اول: شرایط مربوط به اصحاب دعوی.....	۶۷
گفتار اول: معترض.....	۶۸
گفتار دوم: معترض علیه.....	۷۳
مبحث دوم شرایط مربوط به دادگاه.....	۷۹
گفتار ن: دادگاه صالح.....	۷۹
گفتار دوم: مهلت اعتراض.....	۸۳
فصل دوم: آیین دادرسی دعوی اعتراض ثالث در حقوق فرانسه.....	۸۵
مبحث اول: شرایط مربوط به اصحاب دعوی.....	۸۵
گفتار اول: معترض.....	۸۶
گفتار دوم: معترض علیه.....	۸۸
مبحث دوم شرایط مربوط به دادگاه.....	۸۹
گفتار اول: دادگاه صالح.....	۸۹
گفتار دوم: مهلت اعتراض.....	۹۰
فصل سوم: تطبیق آیین دادرسی دعوی اعتراض ثالث در حقوق ایران.....	۹۱
مبحث اول: بررسی تطبیقی شرایط شکلی دعوی اعتراض ثالث.....	۹۱
گفتار اول: شرایط مربوط به اصحاب دعوی.....	۹۲
گفتار دوم شرایط مربوط به دادگاه.....	۹۵
مبحث دوم: تطبیق امکان اعتراض ثالث به برخی از احکام.....	۹۸
گفتار اول: امکان اعتراض ثالث به احکام مربوط به احوال شخصی.....	۱۰۴
گفتار دوم: امکان اعتراض ثالث به دستور موقت.....	۱۱۱

در یک نگاه..... ۱۱۶

منابع و مأخذ..... ۱۲۱

www.ketab.ir

سرآغاز

اصل بر نسبی بودن آرای صادره از دادگاه‌ها، گاهی با استثنائاتی روبروست. از جمله‌ای این استثنائات دعوای اعتراض شخص ثالث است که یکی از طرق فوق‌العاده شکایت محسوب می‌شود. این ابداع حقوق فرانسه به‌طور غیرمستقیم به ما رسیده است اما قانون ما در این قسمت به اجمال قانون فرانسه نمی‌باشد زیرا در زمان تصویب قانون ایران نزدیک صدسال از اجرای قانون فرانسه می‌گذشت و در این زمان کشور فرانسه اجمال قانونی خود را از طریق رویه قضایی حل کرده بود. فی‌الواقع قانون‌گذار ایرانی در راستای اصل تناظر، این حق را با تأثیر مستقیم قانون و رویه‌های قضایی فرانسه در شرایط مورد شناسایی قرار داده است که به حقوق شخص ثالث بدون اینکه مداخله در دادرسی داشته باشد خللی وارد شود. به موجب مواد ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ ق.آ.د.م. دعوای اعتراض ثالث بر دو قسم است: ۱- اعتراض اصلی؛ ۲- اعتراض طاری (غیر اصلی). اعتراض اصلی باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم‌له و محکوم‌علیه رأی صادره اعتراض باشد. دعوای اعتراض ثالث دارای آثاری است که مهم‌ترین این آثار عبارتند از: اثر تعلیق و تأخیر اجرای حکم ابقاء و یا الغای حکم معترض علیه؛ اثر اعتراض شخص ثالث به سایر اشخاص، اثر انتقالی بیشتر تفاوت‌های بین این دعوا در این دو نظام

حقوقی در خصوص شرایط شکلی این دعوا می‌باشد یعنی فی‌الواقع در مورد اینکه حکمی به ضرر فرد ثالث صادر شود و حق اعتراض داشته باشد هر دو کشور یکسان هستند.

طبق رویه قضایی فرانسه و ایران این دعوا در عرض دعوای ورود ثالث قرار دارد و شخص ثالث را شرایطی به اختیاری می‌تواند یکی از این طرق را برای اعتراض خود اعلام کند. طریق این دعوا از حیث آیین دادرسی مدنی شباهت بسیار زیادی با قانون فرانسه دارد. کابیت این رأی را در مورد تمام احکام نمی‌توان تعمیم داد و خود دارای استثنائات ویژه‌ای است. از جمله این استثنائات می‌توان به تصمیمات دادگاه در امور حسبی اشاره کرد زیرا در این احکام، اصولاً از اعتبار قضیه محکوم بها استفاده نمی‌کند؛ زیرا در امور حسبی هیچ‌گاه عوایی وجود ندارد تا بتوان گفت دادرس برای فصل آن حکم کرده است؛ و به همین جهت هم تصمیم دادگاه تنها شکل و صورت حکم را دارد و از نظر ماهوی به اعمال اداری دولت شبیه‌تر است. به هر حال در ایران و فرانسه این باور وجود دارد که راه اعتراض ثالث در احکام مربوط به حجر و طلاق و سلب اقتدار پدری و امثال این‌ها به‌طور کلی مسدود نیست.

دعاوی مطروح در دادگاه با دعوت اصحاب دعوا با تشریفات خاص قانون آیین دادرسی مدنی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و قاضی مکلف است در پایان جهت رفع خصومت حکمی را صادر نماید؛ اما گاهی رأی صادره مخلل حقوق شخصی است که باید از وجود و طرح چنین دعوایی ناآگاه است و به عنوان اصحاب دعوا در دادگاه دعوت نشده‌اند. قانون برای چنین شخصی که هم جزء اصحاب دعوا نبوده است و هم در حکم اصداری به حقوق او خللی وارد شده است حق اعتراض ثالث را شناخته است. از سوی دیگر؛ در نگاه اول به نظر می‌رسد اصل نسبی بودن آرای دادگاه‌ها چنین حقی در تعارض باشد.

به عنوان مثال فرض کنید شخصی، ب. را به "الف" به خواسته ملکی علیه شخصی به نام "ب" اقامه دعوا می‌کند. شخص "ب" دفاع می‌کند که ملک را از ثالثی به نام "ج" در تاریخ معین خریداری کرده است. "الف" در دادگاه ثابت می‌کند که مالک ملک اوست و "ج" در زمان معامله با "ب" مالک نبوده است و دادگاه به همین ترتیب که ثابت شده است حکم می‌دهد. در این مورد حکم صادره دایر بر مالکیت مدعی و محکومیت مدعی علیه در عین حال فساد معامله "ج" و مدعی علیه را اعلام می‌دارد در حالی که "ج" اساساً داخل در اصحاب دعوا نبوده و حکم به فساد معامله بر ضرر اوست زیرا اثر این حکم استحقاق مدعی علیه است در مطالبه ثمن و خسارت از "ج" و عدالت اقتضا می‌کند "ج" بتواند صحت

معامله خود را با "ب" در دادگاه اثبات کند و الغای حکمی را که به ضرر او صادر شده است بخواهد.^۱

آنچه باعث شده است در برابر اصل نسبی بودن آرای دادگاه‌ها، اعتراض ثالث به عنوان یک استثنا مطرح شود فی الواقع اصل تناظر و قاعده لاضرر است که همگویی ریشه در عدالت خواهی دارد. همان طور که در مثال بالا روشن است شخص "ج" هرگز به دستگاه دعوت نشده تا طبق اصل تناظر دفاعیات او شنیده شود درحالی که حکم صادر به نخل حقوق اوست.

از سوی دیگر واقعیت تأثیر قوانین فرانسه در بسیاری از مباحث حقوقی ما روشن است و در این میان و نعیب این است که کدهای آیین دادرسی مدنی قدیم و جدید فرانسه مصوب سال‌های ۸۰۷ و ۱۹۷۵، هر یک به نوعی، چه در گستره تقنین و چه در قلمرو پژوهش همواره مورد توجه قانون‌نویسان و حقوق دانان ایرانی بوده است.^۲

شناسایی اینکه آیا چنین تأثیری در بحث اعتراض ثالث رجوع دارد یا خیر و اگر پاسخ مثبت است این تأثیر به چه میزان بوده است و به علاوه حق در پاسخگوی نیازهای جامعه ایرانی بوده جای تأمل دارد. از این رو درصدد برآمدیم تا در خصوص "بررسی تطبیقی دعوای اعتراض ثالث در قانون و رویه قضایی ایران و فرانسه" تلاشی صورت بگیرد؛ زیرا برای شناخت بهتر مفاهیم ریشه‌یابی این موضوع امری ضروری به نظر می‌رسد.

۱. جلیلود. بخی، اعتراض ثالث در آیین دادرسی و رویه قضایی ایران و فرانسه، ص. ۱۶.

2. <http://www.vekalatonline.ir>

در این کتاب فرض بر این است که در تعریف دعوی اعتراض ثالث باید گفت: دعوی اعتراض ثالث نوعی دعواست در مقابل رأی اصداری از مرجع ذیصلاح که مخلل حقوق ثالث است و بدون توجه به اصل تناظر و نسبی بودن آرا نسبت به ثالث صادر شده است. دعوی اعتراض ثالث در ایران ریشه در قانون و رویه قضایی فرانسه دارد. با وجود شباهت‌های بسیار این تأسیس در این دو نظام حقوقی تفاوت‌های نیز دیده می‌شود.

در خصوص اینکه آیا بحث اعتراض ثالث در قانون آیین دادرسی ما متأثر از حقوق فرانسه بوده است یا خیر، نظریاتی وجود دارد. گروه‌های این موضوع در تحت تأثیر قانون تزار روسیه می‌دادند و برخی دیگر که اکثریت را دربر دارند معتقدند این موضوع نیز مانند بسیاری از موضوعات دیگر قانون ایران تحت تأثیر قانون فرانسه بوده است.

در حوزه اعتراض ثالث نمونه‌های تحقیقی بسیار وجود دارد که هر کدام درخور توجه است اما آنچه این کار علمی را از سایر کارهای مشابه متمایز می‌کند بحث تطبیقی این عنوان در قانون و رویه‌های قضایی ایران و فرانسه است. فی‌الواقع در شرایطی که قانون فرانسه قریب به صد سال قبل از قانون ایران به مرحله اجرا رسیده است توجه به رویه‌های قضایی صدساله که ابهامات و ایرادات اجمالی قانون فرانسه را برطرف کرده است بسیار قابل توجه و اهمیت است.

کتابی که در پیش رو دارید در دو بخش تنظیم شده است بخش اول کلیات را بررسی می‌کند. این بخش که خود شامل دو فصل است در فصل تاریخچه و

تعریف دعوای اعتراض ثالث در ایران و فرانسه بررسی شده است. ابتدا تاریخچه دعوای اعتراض ثالث (مبحث اول) و سپس تعریف دعوای اعتراض ثالث (مبحث دوم) مورد عنایت قرار گرفته است. در مبحث تاریخچه با توجه به تطبیقی بودن موضوع تاریخچه اعتراض ثالث در ایران و فرانسه به طور جداگانه در دو گفتار موضوع بحث است و مبحث تعریف نیز شامل دو گفتار است که ابتدا به تعریف اعتراض می‌پردازد. سپس ثالث. در فصل دوم بخش کلیات، مبانی اعتراض ثالث و انواع دعوای اعتراض ثالث بررسی شده است که به تفکیک در دو مبحث، ابتدا مبانی دعوای اعتراض ثالث را سه گفتار نظریه اجباری بودن، اختیاری بودن و گاهی الزامی و گاهی اختیاری بودن اعتراض ثالث آمده است و در نهایت در مبحث دوم انواع اعتراض ثالث بررسی شده است گفتار اول آن اعتراض اصلی و گفتار دوم اعتراض طاری.

بخش دوم این کار آیین دادرسی دعوای اعتراض ثالث در قانون و رویه قضایی ایران و فرانسه پرداخته است. این بخش در سه فصل تنظیم شده است ابتدا در فصل اول آیین دادرسی دعوای اعتراض ثالث در حقوق ایران بحث شده است اعم از اینکه شرایط مربوط به اصحاب دعوی (مبحث اول) و شرایط مربوط به دادگاه (مبحث دوم) مبحث اول در دو گفتار معترض و معترض علیه نگاشته شده است و مبحث دوم در دو گفتار دادگاه صالح و مهلت اعتراض.

فصل دوم این بخش موضوعات مشابه فصل قبل را بررسی کرده است ولی این بار با توجه و عناوین به حقوق فرانسه؛ یعنی ابتدا در فصل اول آیین دادرسی

دعوای اعتراض ثالث در حقوق فرانسه بحث شده است اعم از اینکه شرایط مربوط به اصحاب دعوی در فرانسه (مبحث اول) و شرایط مربوط به دادگاه در فرانسه (مبحث دوم) مبحث اول در دو گفتار معترض و معترض علیه نگاشته شده است و مبحث دوم در دو گفتار دادگاه صالح و مهلت اعتراض.

در فصل سوم با نگاهی کاملاً تطبیقی موضوع مورد بررسی قرار گرفته است در مبحث این فصل بررسی تطبیقی شرایط شکلی دعوای اعتراض ثالث موضوع بحث قرار گرفته است که در دو گفتار جداگانه: شرایط مربوط به اصحاب دعوی، شرایط مربوط به دادگاه را مورد بررسی قرار می‌دهد و مبحث دوم این فصل تطبیق امکان اعتراض ثالث در برخی از احکام را بررسی کرده است گفتار اول امکان اعتراض به احکام مربوط به احوال شخصی را بررسی کرده و در گفتار به دوم امکان اعتراض ثالث به دستور سوم پرداخته شده است.